

بررسی عملکرد قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در عراق جدید

سیدسعید صادقی^۱
ابومحمد عسگرخانی^۲

چکیده: در عرصه جدید سیاست بین‌الملل، یکی از ابزارهایی که واحدهای سیاسی به منظور دستیابی به اهداف و منافع ملی و راهبردی خود به کار می‌گیرند قدرت نرم است. قدرتی که به‌زعم نظریه‌پردازان آن تأثیرگذاری بیشتری در مقایسه با قدرت سخت دارد. جمهوری اسلامی ایران نیز به‌عنوان واحد سیاسی مستقل، به منظور دستیابی به اهداف ملی و راهبردی خود از مؤلفه‌ها و ظرفیت‌های قدرت نرم خود در حوزه سیاست‌های منطقه‌ای و بین‌المللی، بهره می‌گیرد. در حال حاضر، عراق یکی از کشورهای است که در مجموعه امنیتی خاورمیانه، جایگاه مهمی در سیاست خارجی ایران دارد. ایران به منظور بهبود و گسترش روابط با این کشور، از ظرفیت‌های قدرت نرم خود استفاده می‌کند. این نوشتار، در چارچوب نظریه قدرت نرم و منابع سه‌گانه آن در حوزه فرهنگ، ارزش‌های سیاسی و سیاست خارجی، به بررسی عملکرد و مؤلفه‌های قدرت نرم ایران در عراق جدید می‌پردازد.

واژگان کلیدی: قدرت نرم، عراق، جمهوری اسلامی ایران، فرهنگ، سیاست خارجی، دین، العالم، رسانه.

۱. آقای سیدسعید صادقی، کارشناس ارشد مطالعات منطقه‌ای دانشگاه تهران sss.sadeghi2@gmail.com

۲. دکتر ابومحمد عسگرخانی، استاد روابط بین‌الملل و رئیس مرکز مطالعات عالی بین‌المللی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران asgarkh@ut.ac.ir

مقدمه

با پایان جنگ سرد و فروپاشی نظام دوقطبی، نظام بین‌الملل دچار تحول ماهوی و شکلی شد و ضمن تغییر در ساختار نظام جهانی، ماهیت قدرت نیز دچار تحول گشت و در کنار قدرت سخت^۱، بُعد دیگری از قدرت به نام قدرت نرم مطرح گردید. آن گونه که جوزف نای^۲ تعریف می‌کند قدرت نرم^۳ عبارت از توانایی جذب و اقناع دیگران برای همدستی و همکاری است. این نوع قدرت بر هنجارها، ارزش‌ها، انگاره‌ها، ایدئولوژی، نهادهای سیاسی، اعتبار، اخلاق و فرهنگ متکی است (Nye, 1990: 153-154).

امروزه در عرصه روابط بین‌الملل که شدیداً تحت تأثیر عوامل فرهنگی و هویتی قرار دارد، دسترسی به قدرت نرم از جمله اهداف مهم دیپلماسی کشورها در سیاست بین‌الملل است که این مهم براساس جایگاه، امکانات و ظرفیت‌های فرهنگی هر کشور به شیوه‌ها و سازوکارهای مختلف تعقیب می‌گردد (خراسانی، ۱۳۸۷: ۱). بهره‌برداری از قدرت نرم سبب می‌شود از هزینه‌های محسوس قدرتمندی کشورها به طرز شگفت‌انگیزی کاسته شود. جمهوری اسلامی ایران هم به‌عنوان یکی از واحدهای سیاسی نظام بین‌الملل، به دلیل پیشینه تاریخی، تمدنی، دینی و فرهنگی خود، از ظرفیت قدرت نرم نسبتاً بالایی در منطقه برخوردار است و تلاش می‌کند که در دستگاه دیپلماسی از این بُعد قدرت بهره‌برداری نماید تا اذهان و افکار عمومی جهانیان را در راستای اهداف راهبردی و منافع ملی خود همسو نماید. کشور عراق به‌عنوان یکی از مهم‌ترین کشورهای همسایه در غرب ایران، همواره نقش مهمی در معادلات سیاست خارجی ایران ایفا کرده است. این کشور با داشتن بیش از ۱۳۰۰ کیلومتر مرز مشترک و پیوندهای تاریخی، فرهنگی و مذهبی، از نقش برجسته‌ای در پیگیری و دستیابی سیاست‌های منطقه‌ای ایران در زمینه مبارزه با تروریسم، حفظ صلح و امنیت منطقه‌ای، ثبات اقتصادی و بسیاری از موضوعات مهم در جهان اسلام و عرب برخوردار است. از سوی دیگر، اشغال عراق از سوی بازیگران فرامنطقه‌ای و رقابت بازیگران منطقه‌ای برای اعمال نفوذ و تأثیرگذاری بر سیاست‌های این کشور، موجبات اهمیت فزاینده این کشور در سیاست خارجی ایران را فراهم آورده است. ایران به خوبی از قدرت نرم خود در عراق آگاهی دارد، قدرتی که در نتیجه ارزش‌ها، فرهنگ و مذهب مشترک بین ایران و عراق و سیاست خارجی ایران در قبال مسائل عراق ایجاد شده و تأثیر و نفوذ قابل توجهی بر

-
1. Hard Power
 2. Joseph s. Nye
 3. Soft Power

سیاست‌ها و اقدامات دولت عراق داشته و همچنین بسترهای لازم را برای اجرای سیاست خارجی ایران مهیا کرده است.

هدف از انجام این پژوهش، واکاوی منابع و مولفه‌های قدرت نرم ایران و تأثیرگذاری این منابع و مؤلفه‌های نرم‌افزاری قدرت ایران بر عراق است تا با شناخت فرصت‌ها و چالش‌ها در این حوزه، هزینه‌های دستگاه دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران در رابطه با کشورهای منطقه به حداقل برسد. از طرف دیگر، شناخت بهتر ظرفیت‌های قدرت نرم در کشورهای منطقه می‌تواند به مفهوم‌سازی و شناخت بهتر این پدیده و بهبود مدیریت امنیت ملی کشور در تهدیدات نرم علیه امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران کمک نماید. بدین ترتیب، پرسش اصلی که در اینجا مطرح می‌شود این است که "جمهوری اسلامی ایران در روابط خارجی خود با عراق از چه منابع و مؤلفه‌های نرم‌افزاری قدرت استفاده می‌کند؟" در پاسخ به این پرسش، فرضیه مقاله مبتنی بر این نکته است که بعد از فروپاشی رژیم بعثی صدام، جمهوری اسلامی ایران در روابط خود با عراق، پیوندهای تاریخی و فرهنگی و مذهبی، مهاجرت، موقعیت ژئوپلیتیک، همسایگی و دیپلماسی فرهنگی را در نظر می‌گیرد اما نکته مهم این است که مهم‌ترین و تأثیرگذارترین مؤلفه نرم‌افزاری قدرت ایران در عراق جدید، مذهب تشیع و رسانه‌ها هستند.

روش پژوهش مورد نظر، روش توصیفی - تحلیلی است. بدین ترتیب در بخش یافته‌های تحقیق، مولفه‌های قدرت نرم ایران در کشور عراق به صورت توصیفی بیان شده و تجزیه و تحلیل یافته‌ها عمدتاً با شیوه استدلال و تحلیل کیفی صورت می‌گیرد. با توجه به ماهیت و موضوع مورد مطالعه، گردآوری اطلاعات با استفاده از روش کتابخانه‌ای و اینترنتی و نیز مصاحبه با برخی از اساتید می‌باشد. در ضمن، باید اشاره کرد که نقطه تمرکز این مقاله، بیشتر بعد از حمله ایالات متحده آمریکا به عراق و سقوط رژیم بعثی صدام در سال ۲۰۰۳ است.

مبانی نظری و مفهومی پژوهش

با پایان جنگ سرد، شاهد وقوع تحولات ژرفی در مفهوم قدرت از حیث منابع مولد و شیوه‌های اعمال آن هستیم. تا پایان حاکمیت نظم دو قطبی و منطق جنگ سرد بر محیط بین‌الملل، تفسیر سخت‌افزارانه رئالیستی از قدرت چیرگی داشت و میزان قدرت نظامی بازیگران و غنای زرادخانه‌هایشان سنگ محک قدرت آن‌ها به‌شمار می‌آمد. تأکید بر آنارشی به‌عنوان اصل سازمان دهنده سیستم بین‌المللی، دولت‌ها را وا می‌داشت تا

قاعده خودیاری را نصب‌العین قرار داده و برای تأمین امنیت و منافع خویش در جریان یک "بازی حاصل جمع صفر" با سایر رقبا، پیوسته بر حجم تسلیحات و جنگ افزارها بیفزایند. به عبارت دیگر دولت‌ها مقوله قدرت ملی را در قالب توانمندی نظامی‌شان عینیت می‌بخشیدند. غافل از این که چنین نگاه یک سویه به قدرت آنان را به ورطه مسابقه بی‌انتهای تسلیحاتی خواهد کشاند و در گرداب معمای امنیتی گرفتار خواهد کرد (Baylis, 2001: 256-258).

به موازات تحول صورت گرفته در اشکال سخت‌افزاری قدرت، شاهد رونمایی نوع بدیعی از اعمال قدرت با ماهیتی نرم افزارانه هستیم که اهمیت فوق‌العاده و روزافزونی در عرصه معادلات بین‌المللی یافته است. کنار رفتن سایه سنگین تفسیر رئالیستی جنگ سردی از قدرت، این مجال را برای برخی متفکران و صاحب‌نظران روابط بین‌الملل فراهم ساخت تا به شیوه‌های دیگری برای نفوذگذاری و تحمیل اراده بیانیدهند. اینان به سطح زیرین سکه قدرت توجه کردند که ذاتی ناپیدا و غیر ملموس دارد و متکی بر ابزارهای سرکوب‌گرانه سخت‌افزاری نیست بلکه از طرق غیرمستقیم اعمال می‌گردد و رفتارهای مخاطبین را بدون کاربرد زور آشکار جهت می‌دهد. طلایه‌دار مطالعات نرم‌افزاری قدرت را باید جوزف نای دانست که اصطلاح قدرت نرم را برای نخستین بار وارد ادبیات روابط بین‌الملل نمود و کوشید تا تأثیر عوامل غیرساختاری نظیر فرهنگ را به‌عنوان اهرم‌های نرم مولد قدرت در قالب یک طبقه‌بندی مستقل مورد بررسی قرار دهد (سعیدی، ۱۳۸۹: ۸۹).

مفهوم قدرت نرم بر رویکرد نئولیبرالیستی مبتنی است و متضمن مفاهیم فرهنگی-اقتصادی است. نظریه‌پرداز قدرت نرم شخصیت نئولیبرال آمریکا، جوزف نای اصطلاح قدرت نرم را اولین بار در کتابی تحت عنوان "ملزم به رهبری" که در سال ۱۹۹۰ منتشر گردید به کار گرفت و سپس توسط کارشناسان مسائل راهبردی و سیاسی در محافل مختلف مطرح شد. ابعاد نرم‌افزاری قدرت یا نرم افزارگرایی، اصطلاحی است که از دیدگاه جوزف نای در زمینه ضرورت بهره‌گیری ایالات متحده از منابع قدرت نرم گرفته شده است. مفهوم قدرت نرم را می‌توان در آثار هانس جی مورگنتا، کلوس کنور و رای کلاین ردیابی کرد. اما نظریه‌پرداز اصلی آن جوزف نای می‌باشد. نظریه جوزف نای در مورد قدرت نرم را می‌توان تحول مشهودی در موضوع قدرت دانست (Gill & Huang, 2006: 18).

اما منظور جوزف نای از قدرت نرم چیست؟ جوزف نای قدرت نرم را به‌عنوان بخش مهمی از منابع قدرت تلقی می‌کند و بر ضرورت بهره‌گیری از آن در سیاست خارجی و امنیتی اصرار دارد. نای قدرت را دارای دو لایه سخت و نرم می‌داند که در عین تفاوت، به یکدیگر مرتبطند. چون هر دو جنبه‌هایی از توانایی دستیابی به اهداف از طریق تحت‌تأثیر قرارداد رفتار بازیگران محسوب می‌شوند. قدرت نظامی و اقتصادی به‌مثابه قدرت سخت می‌توانند دیگران را به تغییر مواضع خود سوق دهند. این نوع قدرت بر پاداش‌ها (هویج) و یا تهدیدها (چماق) مبتنی است. اما گاهی نیز می‌توان نتایج دلخواه را بدون تهدید یا پاداش ملموس کسب کرد. این شیوه غیرمستقیم رسیدن به نتایج مطلوب، "چهره دوم قدرت" یا قدرت اقناع‌سازی نامیده می‌شود. بر این پایه، یک کشور می‌تواند به مقاصد موردنظر خود در سیاست جهانی نایل آید، چون کشورهای دیگر ارزش‌های آن را می‌پذیرند و از آن تبعیت می‌کنند و به عبارتی تحت تأثیر آن قرار می‌گیرند و در نتیجه خواهان پیروی از آن می‌گردند. بنابراین، قدرت نرم عبارت است از: توانایی کسب آنچه که می‌خواهید از طریق جذب کردن و شکل‌دادن به اولویت‌های دیگران نه از طریق اجبار و یا پاداش (همان، ۸).

جوزف نای در کتاب "کاربرد قدرت نرم" بر این عقیده است که قدرت نرم، توجه ویژه‌ای به اشغال فضای ذهنی کشور دیگر از طریق ایجاد جاذبه است و نیز زمانی یک کشور به قدرت نرم دست می‌یابد که بتواند اطلاعات و دانایی را به منظور پایان دادن به موضوعات مورد اختلاف به کار گیرد و اختلافات را به‌گونه‌ای ترسیم کند که از آن‌ها امتیاز گیرد (خراسانی، ۱۳۸۷: ۵). از دیدگاه جوزف نای، قدرت نرم بر مبنای توانایی شکل‌دهی به ترجیحات دیگران استوار است که عمدتاً با مقوله‌های نامحسوس و ناملموسی همچون جاذبه‌های شخصیتی، فرهنگی، ارزش‌ها و نهادهای سیاسی و سیاست‌های جذاب که مشروع تلقی می‌شوند مرتبط است و بر این اساس قدرت نرم چیزی فراتر از قدرت فرهنگی است و دیگر این که به اندازه قدرت سخت وابسته به دولت نیست و در چنبره حکومت محبوس نبوده و فرهنگ عمومی جامعه تأثیر فراوانی بر آن دارد (هرسیچ و تویسرکانی، ۱۳۸۷: ۲۳۲). از دید جوزف نای، هنگامی که سروکار ما با قدرت نرم است، برخلاف قدرت سخت، این که در فکر مخاطب هدف چه می‌گذرد، بسیار اهمیت می‌یابد. با قدرت سخت، اگر بخواهیم پول شما را بدزدیم، می‌توانیم شما را بکشیم و فوراً پولتان را تصاحب کنیم. آنچه که شما در موردش فکر می‌کنید هم هیچ اهمیتی ندارد. اما با قدرت نرم، اگر بخواهیم پولتان را بدزدیم، لازم است شما را متقاعد کنیم که یک معلم مذهبی هستیم و اگر شما حساب بانکی خود را در اختیار من بگذارید دنیا را نجات خواهیم داد. اینجاست که آنچه شما در موردش فکر می‌کنید

اهمیت می‌یابد. در نتیجه، قدرت نرم به‌مثابه رقصی است که نیاز به همراهی یک شریک دارد. قدرت نرم عبارت از توانایی جذب و اقناع دیگران برای همدستی و همکاری است. این نوع قدرت بر هنجارها، ارزش‌ها، انگاره‌ها، ایدئولوژی، نهادهای سیاسی، اعتبار و فرهنگ متکی است (Nye, 1990, 153-154).

قدرت نرم مباحث عقلانی و ارزش‌های عمومی را شامل می‌شود و هدف آن افکار عمومی خارج و سپس داخل است. از این‌رو می‌توان گفت قدرت نرم، رفتار توأم با جذابیت قابل رؤیت اما غیرمحسوس است. در قدرت نرم بر روی ذهنیت‌ها سرمایه‌گذاری می‌شود و از جذابیت برای ایجاد اشتراک بین ارزش‌ها و همه خواست‌ها سود می‌جوید. از این چشم‌انداز قدرت نرم به آن دسته از قابلیت‌ها و توانایی‌ها گفته می‌شود که با به‌کارگیری ابزارهایی چون فرهنگ و ارزش‌های اخلاقی به صورت غیرمستقیم بر منافع یا رفتارهای دیگر کشورها اثر می‌گذارد. بنابراین به نظر نای قدرت نرم زمانی اعمال می‌شود که یک کشور، سایر کشورها را وادار نماید چیزی را بخواهند که خود می‌خواهد (نای، ۱۳۸۲: ۱۰).

منابع و مؤلفه‌های قدرت نرم

براساس دیدگاه جوزف نای، قدرت نرم هر کشور در ابتدا از سه منبع نشأت می‌گیرد: فرهنگ (بخش‌هایی که برای دیگران جذاب است)، ارزش‌های سیاسی (زمانی که با افکار عمومی داخل و خارج منطبق باشد)، سیاست خارجی (زمانی که مشروع و اخلاقی تلقی شود) (نای، ۲۰۰۵: ۱۲).

زمانی که فرهنگ یک کشور ارزش‌های جهان‌شمول را در بر می‌گیرد و سیاست‌های آن، ارزش‌ها و منافع را ارتقا می‌بخشد که دیگران نیز در آن سهیم‌اند، در این صورت به دلیل جاذبه‌آفرینی، احتمال دستیابی به نتایج مطلوب برای آن کشور فراهم می‌گردد (سلیمانی پورلک، ۱۳۸۶: ۱۰). تحولات دهه‌های اخیر در حوزه روابط بین‌الملل، حاکی از اهمیت مقوله فرهنگ در دستیابی به اهداف و بهبود روابط میان دولت‌هاست. به نحوی که امروزه شاهد ظهور و تشکیل اتحادیه‌های فرهنگی در عرصه جهانی بوده تا از این طریق زمینه تنازعات و چالش‌های بین‌المللی برطرف و موجب همگرایی دولت‌ها و ملت‌ها گردد. از این‌رو دولت‌ها درصدد تحکیم بنیان‌های معرفتی فرهنگ خود و تعمیم ارزش‌ها، دانش‌ها و نگرش‌های تولیدشده به فراسوی مرزهای جغرافیایی خود می‌باشند تا یکی از ابزارهای اعمال قدرت را در کنار قدرت سیاسی و نظامی همراه خود نموده و با استعانت از سازوکار اقناع فرهنگی به جای کاربرد زور،

اذهان و افکار عمومی جهانیان را در راستای منافع و اهداف خود همسو نمایند (خراسانی، ۱۳۸۷: ۳).

جوزف نای به موضوع اثربخشی فرهنگ اشاره دارد. از دیدگاه وی تأثیرگذاری فرهنگ به مثابه منبع قدرت نرم به بستر و زمینه‌ای که این قدرت در آن اعمال می‌شود بستگی دارد، این که چه کسانی با چه افرادی در چه شرایطی در ارتباطند. اما قدرت نرم بیش از قدرت سخت به اراده تفسیرکنندگان و دریافت‌کنندگان وابسته است. (سلیمانی پورلک، ۱۳۸۶: ۹-۱۱). فرهنگ یک منبع قدرت نرم است. جاذبه‌هایی را ایجاد می‌کند که از طریق رأی‌گیری از مردم یا گروه‌های متمرکز مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. این که آیا این جاذبه‌ها سیاست‌های دلخواه را ایجاد می‌کند باید در موارد ویژه، مورد داوری قرار گیرد. تفاوت میان قدرت منابع و قدرت رفتاری برای فهم رابطه میان قدرت نرم و دیپلماسی فرهنگی مهم است. در سیاست بین‌الملل منابعی که قدرت نرم را ایجاد می‌کنند از ارزش‌های یک سازمان یا یک کشور که در فرهنگش اعمال می‌کند، برای مثال از طریق اعمال و سیاست‌های داخلی‌اش و روشی که در روابطش با دیگر کشورها رفتار می‌کند، ناشی می‌شود. دیپلماسی فرهنگی یکی از ابزارهای دیپلماسی عمومی است که حکومت‌ها برای نوسازی این منابع استفاده می‌کنند تا بیش از آن که صرفاً حکومت کشورهای دیگر را جذب کنند مردم آن کشورها را جذب کنند. اگر محتوای فرهنگ، ارزش و سیاست‌های کشوری جذاب نیستند، دیپلماسی عمومی که آن‌ها اشاعه می‌دهند نمی‌تواند قدرت نرم ایجاد کند بلکه ممکن است تنها مخالف ایجاد کند (نای، ۲۰۱۰).

عامل دیگر در ایجاد قدرت نرم، سیاست است که تأثیر آن را می‌توان در دو عرصه داخلی و بین‌المللی مشاهده کرد. در عرصه داخلی، قدرت نرم حاصل از سیاست را می‌توان در افکار عمومی، رعایت حقوق بشر، کارآمدی قوه قضائیه، پاسخ‌گویی دولت، میزان امید به رعایت عدالت در میان افراد جامعه، سیاست‌های مثبت مهاجرتی و جذب توریسم، جذابیت‌های ایدئولوژیک، میزان دخالت جامعه مدنی و میزان جرم و تخلف از قانون، مطمح‌نظر قرار داد. در عرصه بین‌المللی نیز حجم و میزان تعامل با سازمان‌های بین‌المللی، ارائه کمک‌های بشردوستانه، مناسبات و مبادلات فرهنگی، ارتباطات دیپلماتیک مطلوب و گسترده، طراحی و اتخاذ سیاست‌های استراتژیک مقبول و برگزاری و مشارکت در کنفرانس‌ها و نمایشگاه‌های بین‌المللی و... مورد توجه قرار می‌گیرد (افتخاری و بیکی، ۱۳۸۹: ۱۵۵). سیاست‌های دولت اعم از داخلی و خارجی که ریاکارانه، متکبرانه و بی‌تفاوت نسبت به منافع ملی باشند می‌توانند به تضعیف قدرت نرم منجر شوند. از این‌رو می‌توان استدلال کرد که ارزش‌هایی که یک دولت در رفتار داخلی

خود، در نهادهای بین‌المللی و سیاست خارجی مورد حمایت قرار می‌دهد اولویت‌های دیگران را شدیداً متأثر می‌سازد (سلیمانی پورلک، ۱۳۸۶: ۹-۱۱).

برخی از نویسندگان حوزه روابط بین‌الملل، منابع مؤثر دیگری را در تولید و تقویت قدرت نرم ذکر نموده‌اند که عبارتند از: وضعیت جغرافیایی (آب و هوا، وسعت خاک، موقعیت ژئوپلتیک، جمعیت و نیروی انسانی)، ظرفیت صنعتی، ارتباطات، استعدادهای علمی، اختراعات، ابتکارات، سازمان اداری و دولتی، ایدئولوژی و اخلاق اجتماعی، اطلاعات و سطح آگاهی، خرد رهبری و روحیه ملی (خراسانی، ۱۳۸۷: ۵-۶).

قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران و عراق جدید

جمهوری اسلامی ایران بر پایه اشتراکات فراوان تاریخی، فرهنگی و مذهبی با کشورهای خاورمیانه‌ای از قدرت نفوذ مناسبی در منطقه برخوردار است. محبوبیت ایران در منطقه خاورمیانه تقریباً ثابت بوده و مبتنی بر اصول و مبانی اعتقادی و رفتاری است که با ماهیت انقلاب اسلامی مرتبط است. در منطقه خاورمیانه قدرت نرم ایران در اسلام، مذهب تشیع، فرهنگ، تاریخ، تمدن، زبان فارسی، ارزش‌های مردم‌سالارانه، مشارکت سیاسی و اجتماعی مردم و مواردی از این قبیل ریشه دارد (هرسیج و تویسرکانی، ۱۳۸۸: ۱۸۳). جمهوری اسلامی ایران با داشتن بیش از هفتادوپنج میلیون نفر مسلمان (۹۸ درصد) که از این میزان ۸۹ درصد شیعه و ۹ درصد سنی می‌باشند یکی از کشورهای بزرگ، پرجمعیت و تأثیرگذار اسلامی است. در این میان منطقه ژئوپلتیک خاورمیانه با حضور ۱۵ کشور، بیشترین قرابت دینی و مذهبی را با جمهوری اسلامی ایران داراست. ۹۲/۹۶ درصد از جمعیت خاورمیانه مسلمان و ۱۸/۹۴ درصد آنها نیز دارای مذهب تشیع می‌باشند (Islamic web, 2007). از این لحاظ کشورهای منطقه بیشترین همگرایی را در میان مناطق مختلف ژئوپلتیک با جمهوری اسلامی ایران دارند. حفظ و افزایش قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران، نیازمند شناخت و به کار بستن منابع نرم‌افزاری قدرت خود در این کشورها و جوامع با توجه به زمینه‌های فرهنگی، سیاسی و اجتماعی هر یک از کشورهای هدف است. یکی از کشورهای منطقه خاورمیانه از لحاظ عملکرد قدرت نرم ایران، کشور عراق می‌باشد که دارای قرابت جغرافیایی، تاریخی، مذهبی و سیاسی با جمهوری اسلامی ایران است. در ادامه ابتدا به اهمیت کشور عراق در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران می‌پردازیم. سپس عملکرد مؤلفه‌های قدرت نرم ایران در عراق را مورد ارزیابی قرار می‌دهیم.

اهمیت کشور عراق در سیاست خارجی ایران

کشور عراق در مقایسه با سایر همسایگان ایران، بیشترین تأثیرگذاری را بر امنیت و منافع ملی ایران داشته است که این امر ناشی از وجود مشترکات فرهنگی، دینی و مرزهای طولانی بین دو کشور است. از این رو توجه به ساختار سیاسی و نوع حکومت حاکم در این کشور، از اهمیت ویژه‌ای برای سیاست‌گذاران ایرانی برخوردار بوده است. وجود دولتی متخاصم که جهت‌گیری‌های سیاسی خصمانه‌ای نسبت به ایران داشته باشد، پیامدهای ناگواری بر امنیت و منافع ایران بر جای خواهد گذاشت. حاکم بودن حزب بعث با ایدئولوژی پان‌عربیسم و ضدایرانی در دوره صدام حسین، گواهی بر این ادعاست که نتیجه آن، تحمیل جنگ هشت‌ساله با تمام هزینه‌های هنگفت آن برای ایران بود. عراق پس از ۱۱ سپتامبر به نوعی دیگر منافع ایران را تحت تأثیر قرار می‌دهد. حضور نیروهای فرامنطقه‌ای مانند ایالات متحده آمریکا که در منطقه منافع متعارض با منافع ایران دنبال می‌کنند، می‌تواند منافع ملی ایران را با خطر مواجه سازد. شکل‌گیری و توسعه گروه‌های تروریستی متشکل از افراد باقی‌مانده از حزب بعث و گروه‌های وابسته به القاعده نیز به نوعی امنیت مرزهای ایران را تهدید می‌کند. لذا رقابت‌های پنهان و آشکار دولت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای و همچنین منافع مشترک ایران و عراق در زمینه حفظ امنیت خلیج فارس، مرزهای مشترک، و مبارزه با تروریسم در منطقه، موجب اهمیت یافتن نقش عراق در سیاست‌های منطقه‌ای و بین‌المللی ایران گردیده است.

به طور کلی می‌توان گفت که کشور عراق از چند جهت در سیاست خارجی ایران حائز اهمیت است: نخست، تحولات عراق نقش کلیدی در مسائل سیاسی-امنیتی ایران همچون نگرانی‌های امنیتی در موضوعاتی مانند تروریسم، حفظ تمامیت ارضی و امنیت سرزمینی، حفظ امنیت خلیج فارس و مقابله با تهدیدهای ایالات متحده نسبت به ایران دارد. دوم این که اشتراکات فرهنگی، تاریخی و پیوندهای مذهبی، وجود اماکن مقدس مذهبی و حوزه‌های علمیه قم و نجف، به‌عنوان بزرگ‌ترین پایگاه‌های علمی مکتب تشیع، موجب اهمیت فرهنگی کشور عراق در سیاست خارجی ایران شده است. جنبه فرهنگی از آن جهت دارای اهمیت است که نقش تعیین‌کننده‌ای در افزایش قدرت نرم ایران ایفا می‌کند و در نهایت، مسائل اقتصادی موجبات اهمیت یافتن نقش کشور عراق در سیاست خارجی ایران را فراهم آورده است. کشور عراق یکی از عمده‌ترین کشورهای هدف ایران در زمینه صادرات غیرنفتی است که نقش مهمی در ثبات، امنیت و شکوفایی اقتصادی دو کشور خواهد داشت. باید توجه داشت بهره‌برداری از این موقعیت، مستلزم

داشتن یک رابطه خوب و مبتنی بر حسن همجواری و همچنین حاکم بودن دولتی دوست و هم‌پیمان با ایران است. این امر نیازمند به‌کارگیری دیپلماسی هوشمند و سیاست‌های سنجیده و نرم از طرف دولت ایران و همراه ساختن دولت و ملت عراق با سیاست‌های مورد نظر است (پشنگ، ۱۳۹۰).

بررسی عملکرد مؤلفه‌های قدرت نرم ایران در عراق

جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان مهم‌ترین همسایه عراق در مرزهای شرقی این کشور، بیش از سایر کشورهای منطقه از تحولات به وقوع پیوسته تأثیر پذیرفته و عراق اهمیت زیادی در سیاست‌های راهبردی ایران پیدا کرده است. به همین دلیل تدوین راهبرد مناسب در مواجهه با تحولات کنونی و آینده، ضرورت بسیار یافته است. امروز عراق بیش از هر زمان دیگری نیازمند قدرت نرم کشورهای همسایه به‌خصوص جمهوری اسلامی ایران (به‌خاطر قرابت جغرافیایی-مذهبی) برای تأمین امنیت و ثبات در آن کشور جنگ زده است. بی‌تردید هرگونه غفلت از این امر به معنای از دست دادن فرصتی استثنایی است (عطایی و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۹۱).

سرنوشتی رژیم صدام حسین به دست ایالات متحده آمریکا فرصتی برای جمهوری اسلامی ایران فراهم کرد و موجب گسترش عمق راهبردی آن شد. پس از تشکیل حکومت جدید در بغداد، جمهوری اسلامی ایران رسماً از ایجاد عراقی باثبات، امن و مستقل حمایت کرده است. دولتی که در عین دوستی با ایران قادر و مایل به کاهش نفوذ ایالات متحده آمریکا در تحولات داخلی عراق باشد. به همین دلیل نیز ایران نخستین کشوری بود که شورای عالی انتقالی را به رسمیت شناخت و با آن دولت روابط سیاسی برقرار کرد. جمهوری اسلامی درصدد برآمد تا از مولفه‌های قدرت نرم برای اثرگذاری بر تحولات عراق استفاده کند و تلاش کرد شیعیان این کشور به حقوق تزییع شده خود دست بیابند. همچنین جمهوری اسلامی ایران برای کمک به توسعه شهرهای شیعه‌نشین عراق که نزدیک به ۶۰ درصد جمعیت عراق را شامل می‌شود، پروژه‌های زیربنایی نظیر مدرسه و بیمارستان را به انجام رسانده است. این تلاش‌ها بخشی از راهبرد ایران برای کسب حمایت مردم جنوب عراق و کمک به توسعه این مناطق محسوب می‌شود (عطایی و دیگران، ۱۳۹۰: ۲۰۰).

همان‌طور که قبلاً اشاره شد، به اعتقاد نای، قدرت نرم کشورها از سه منبع ناشی می‌شود: فرهنگ، ارزش‌های سیاسی و سیاست خارجی. اما چه چیزی می‌تواند منبع قدرت نرم ایران در عراق باشد؟

منابع قدرت نرم ایران عبارتند از : ۱. فرهنگ (زبان فارسی، سنت‌های ایرانی، جریان اصلی تشیع)، ۲. ارزش‌های سیاسی (دموکراسی، انتخابات، حقوق زنان، جامعه مدنی)، ۳. سیاست خارجی (مشروعیت، پرستیژ، روابط عمومی) (Haynes, 2009: 12). با در نظر داشتن این مطالب در ذیل به مؤلفه‌های بستر ساز قدرت نرم ایران در عراق اشاره می‌شود.

با فروپاشی صدام در سال ۲۰۰۳ ایران به دنبال استفاده از قدرت نرم خود از قبیل تأثیرات فرهنگی، مذهبی، سیاسی و اقتصادی برای تعقیب منافع ملی خویش در عراق بوده است. عراق کشوری است با اکثریت مسلمان شیعه. در دوران صدام اقلیت‌های سنی مذهب حکومت را در دست داشتند و با اکثریت شیعه برخورد شدیدی داشتند. پس از سقوط صدام بین سال‌های ۲۰۰۶ - ۲۰۰۳ جمهوری اسلامی ایران از برگزاری انتخابات در عراق حمایت کرد. جمهوری اسلامی ایران به دنبال استفاده از قدرت نرم مذهبی و فرهنگی خود در عراق برای افزایش جایگاه و محبوبیت خود در بین اکثریت شیعیان عراق بود و در نتیجه هم موقعیت تأثیر گذاری به دست آورد.

ارزش‌های سیاسی: جمهوری اسلامی ایران به دنبال ارتقا و ترویج ساختارها و فرایندهای دموکراتیک در عراق - به‌عنوان یک راهبرد - برای کمک به تحکیم دائم صدای شیعه در دولت عراق بوده است. از یک طرف ایران به دنبال استفاده از قدرت نرم خود در عراق به‌عنوان یک ابزار کوتاه‌مدت و میان‌مدت است و از این طریق تلاش می‌کند که دستیابی به اهداف خود را در عراق تسهیل کند. این اهداف عبارتند از: ثبات سیاسی و افزایش نفوذ. از طرف دیگر ایران به دنبال استفاده از یک راهبرد بلندمدت در عراق است که ممکن است قدرت نرم خود را در عراق ترکیب کند. بنابراین هدف ایران توسعه یک راهبرد قدرت هوشمند موفق در عراق از طریق استفاده راهبردی از قدرت سیاسی، اقتصادی، مذهبی و فرهنگی است (Kemp, 2005: 7).

سیاست خارجی: تأثیر سیاسی ایران بر توسعه روابط نزدیک با احزاب سیاسی شیعه عراق تأیید می‌کند که بدون شک توانایی ایران از سال ۲۰۰۳ برای پیگیری اهداف ملی خود در عراق افزایش یافته است. برای مثال جمهوری اسلامی ایران در روابط خارجی، روابط نزدیک خود را با مجلس اعلای اسلامی عراق، حزب الدعوة اسلامی و جریان صدر (جنبش ملی‌گرای عراقی مقتدا صدر) حفظ کرده است. از این طریق، ایران در عراق به دنبال تشویق سیاستمداران عراقی برای تعقیب سیاست‌های مطلوب برای منافع مشترک منطقه‌ای است. از سوی دیگر، باید اشاره کرد که محدودیت‌ها و چالش‌هایی نیز در برابر تأثیر سیاسی ایران در عراق در حوزه سیاست خارجی وجود دارد (Haynes, 2009: 13). تأثیر اقتصادی ایران نیز در عراق مهم است. تا سال ۲۰۰۹،

ایران از طریق روابط دوجانبه با کشور عراق به بزرگ‌ترین شریک تجاری این کشور در منطقه تبدیل شد. به علاوه، دولت جمهوری اسلامی ایران و شرکت‌های دولتی برای بازسازی عراق، سرمایه‌گذاری‌های عظیمی را انجام داده‌اند. همچنین گزارش جدید از سال ۲۰۰۹ نشان می‌دهد که دو شهر مقدس عراق یعنی نجف و کربلا، مقدس‌ترین مکان‌های زیارتی شیعه، هزاران زائر ایرانی را هر ساله جذب می‌کنند. حاکم شهر نجف گزارش می‌دهد که دولت ایران برای بازسازی طرح‌هایی در شهرهای مقدس عراق، هر ساله ۲۰ میلیون دلار فراهم می‌کند که زیرساخت‌های توریستی شهر را بهبود می‌بخشد. به‌علاوه شرکت‌های توریستی دولتی ایران، حامیان اصلی زائران ایرانی به شهرهای مقدس عراق هستند (Dreyfuss, 2008).

فرهنگ: در نهایت تأثیر فرهنگی ایران در عراق بسیار مهم است. قدرت نرم فرهنگی ایران با سه مؤلفه مشخص می‌شود: زبان فارسی، سنت‌های ایرانی و جریان اصلی تشیع. در رابطه با قدرت نرم فرهنگی ایران در عراق باید در نظر داشت که تعداد کمی از عراقی‌ها به زبان فارسی صحبت می‌کنند. بنابراین مشکل است بتوان این مؤلفه را به‌عنوان عامل تقویت‌کننده قدرت نرم ایران در عراق به حساب آورد. زبان فارسی به‌عنوان مؤلفه تقویت‌کننده قدرت نرم ایران بیشتر در کشورهای فارسی‌زبان مانند افغانستان تأثیرگذار می‌باشد. دوم این که با در نظر داشتن این واقعیت که دو کشور ایران و عراق کمتر از ۲۵ سال پیش با یکدیگر در حال تعارض و جنگی هشت ساله بودند، بعید است که سنت‌های ایرانی در عراق آن چنان مورد احترام قرار بگیرد که تأثیر جدی در تقویت قدرت نرم داشته باشد. اما سومین و مهم‌ترین جنبه از قدرت نرم ایران در عراق جریان تشیع است. تشیع مهم‌ترین مؤلفه قدرت نرم ایران در عراق جدید است. دو شهر قم در ایران و نجف در عراق مراکز آموزش‌های شیعی هستند که هر دو دارای حوزه‌های علمیه مهم می‌باشند. تبادلات و تعاملات فرهنگی و مذهبی که بین این دو مرکز وجود دارد اهمیت اساسی در روابط دو کشور دارد (Haynes, 2009: 13).

مذهب تشیع: نهادینه شدن تشیع در دولت جمهوری اسلامی ایران، پدیده‌ای است که از مرزهای ایران گذشته و به سراسر جهان شیعه، به ویژه شیعه دوازده امامی به کشورهای همسایه ایران سرایت کرده است. از دیدگاه جغرافیای مذهبی، نفوذ ایران بر جهان تشیع، اساساً در سرزمین‌های شیعه دوازده امامی اعمال می‌شود و ایران نفوذ کمتری بر جهان اسماعیلی و زیدی دارد. این نفوذ به ویژه در سرزمین‌هایی که شیعه دوازده امامی هستند شدت بیشتری دارد زیرا در این سرزمین‌ها روحانیت شیعه دوازده امامی را به شکل نهادینه درآورده‌اند و این امر با ایرانی‌شدن روحانیت شیعه مستقر در

خارج از ایران روشن می‌شود. نمونه بارز این امر کشور عراق است (نادری‌دوست، ۱۳۸۶: ۱۹۰-۱۹۱). در واقع، هر دولتی که در ایران بر سر کار باشد به‌طور طبیعی توجه ژئوپلیتیک ویژه‌ای به منافع همه شیعیان جهان خواهد داشت. پیوستگی آئین تشیع و منافع ملی ایران حتی برای کشورهای فرامنطقه‌ای نیز محسوس است. به طوری که در موضوع شیعیان عراق مهم‌ترین نگرانی آمریکا مداخله ایران در این مسئله است. گویا این مسئله برای آمریکا نیز مفروض است که سیاست خارجی ایران در عراق، ماهیت شیعی دارد و به موضوع شیعیان پیوند خورده است. مثلاً در ایران اندیشیده می‌شود که هر حکومت شیعی در عراق کنونی، با هر میزان غرب‌گرایی یا با هر میزان ملی‌گرایی عراقی باز هم مزیت و عامل قدرت نرم ایران خواهد بود. این بدان معنی است که هر میزان گسترش یا قدرت سیاسی یافتن تشیع در منطقه، گسترش برای ایران نیز هست. قدرت سیاسی شیعیان در عراق فضای مساعدی برای قدرت نرم ایران ایجاد می‌کند. این امر علاوه بر عراق در کشورهای افغانستان، لبنان و پاکستان نیز مصداق دارد. اما این امر یعنی قدرت نرم ایران از حوزه تشیع در عراق، تعیین‌کننده است (نادری‌دوست، ۱۳۸۶: ۲۵۵-۲۵۶). ولی نصر^۱ کارشناس ایالات متحده آمریکا در موضوع اسلام، ادعا می‌کند که پیروزی شیعیان در انتخابات عراق سال ۲۰۰۶، می‌تواند تمامی مردم شیعه در منطقه را یک‌پارچه سازد، خواسته‌های مشترک و هویت آن‌ها را ارتقا دهد که این امر به نوبه خود منافع جمهوری اسلامی ایران را حفظ می‌کند (Haynes, 2009: 8).

اکثریت مردم ایران و عراق مسلمان و پیرو مذهب تشیع می‌باشند. این امر تأثیر زیادی بر نوع نگرش مردم عراق نسبت به سیاست‌ها و اقدامات ایران دارد و تا حدود زیادی موجب به وجود آمدن درک و اعتماد متقابل میان دولت-ملت ایران و دولت-ملت عراق شده است. اهمیت مذهب تشیع و تأثیرگذاری آن بر مردم، در این گفته فرانسویس فوکویاما به خوبی مشخص می‌شود که در کنفرانس اورشلیم با عنوان "بازشناسی هویت شیعه" می‌گوید: "شیعه پرنده‌ای است که افق پرواز آن بالاتر از تیره‌های ماست. این پرنده دارای دو بال سرخ شهادت و سبز مهدویت است، که بال سرخ آن ریشه در کربلا دارد و شیعه را فناپذیر می‌کند و بال سبز آن اعتقاد به مهدویت و عدالت‌خواهی است." ائتلاف ایران و عراق به‌عنوان دولت‌های شیعی، نقش مهمی در تقویت جایگاه ایران در حفظ ثبات و امنیت منطقه خلیج فارس و منازعات منطقه‌ای و رابطه با سایر کشورهای جهان اسلام و عرب خواهد داشت (پشنگ، ۱۳۹۰).

درباره برتری‌ها و کامیابی‌های ایران در عراق، "کریم سجادی‌پور"، تحلیل‌گر گروه بین‌المللی بحران می‌گوید: "آمریکایی‌ها در عراق دارای قدرت سخت هستند در حالی که قدرت ایران در عراق از نوع نرم است و این امر، تأثیر ایران در کشور را بسیار نافذتر از آمریکا می‌سازد. حکومت جدید عراق رابطه بسیار نزدیکی با عراق دارد. در این حکومت افرادی در راس امور به چشم می‌خورند که سال‌ها در تبعید بوده‌اند و در آن زمان جمهوری اسلامی ایران ضمن حمایت از آن‌ها از مبارزات این‌گونه نخبگان عراق بر علیه صدام پشتیبانی کرده است. واقعیت این است که ایران ۸۰۰ مایل مرز مشترک با عراق دارد و حکومت جدید عراق توسط شیعیان رهبری می‌شود که همگرایی مذهبی بسیار شدیدی با ایران دارند و اکثریتی ۶۰ درصدی را در عراق شامل می‌شوند. در بین کردها نیز ایران رابطه بسیار نزدیکی با اتحادیه میهنی کردستان به رهبری جلال طالبانی داشته است. طالبانی رئیس‌جمهور فعلی عراق است. وی در جریان دیدار از تهران گفت: در ایران همچون خانه خود احساس راحتی می‌کند" (نادری‌دوست، ۱۳۸۶: ۲۶۳-۲۶۵).

روزنامه نیویورک تایمز نیز در این باره می‌نویسد: "امروز منابع رسمی دولت شیعه عراق افرادی هستند که عموماً از لحاظ سیاسی و مذهبی و شخصی بیشترین وابستگی‌ها را به ایران دارند". درباره میزان نفوذ ایران در تحولات کنونی عراق، روزنامه "الوطن" چاپ عربستان می‌نویسد: "نفوذ ایرانیان در عراق به روشنی قابل مشاهده است. نامزدهای سنی و شیعه شرکت‌کننده در انتخابات ژانویه سال ۲۰۰۵ عراق، ایران را به حمایت‌های مالی چند ملیون دلاری از احزاب عمده شیعه عضو ائتلاف متحد عراق متهم کرده‌اند" روزنامه لس‌آنجلس تایمز نیز می‌نویسد: "در مناطق جنوبی عراق ارتباط ایرانی‌ها با احزاب شیعه واضح است. مأموران اطلاعاتی ایرانی آشکارا در راهروهای دفاتر احزاب شیعه رفت‌وآمد کرده و فارسی صحبت می‌کنند".

همچنین تأکید رهبران شیعه عراق، همچون عبدالعزیز حکیم و ابراهیم جعفری، بر دوستی دو ملت و دو کشور و رفع هرگونه عامل اختلاف‌زا میان دو طرف نشان‌دهنده اهمیت روابط دوستانه میان دو کشور از نگاه رهبران جدید عراق است (همان، ۲۶۶-۲۶۹).

بدین ترتیب قدرت‌یابی شیعیان در عراق جدید علاوه بر آنکه چشم‌اندازهای جدیدی را برای احقاق حقوق بیشتر شیعیان در سایر کشورهای عربی ایجاد کرده، برای ایران نیز فرصت‌ساز بوده است. دستیابی شیعیان به قدرت در عراق ظرفیت‌های جدیدی برای تغییر ساختار قدرت و شکل‌گیری فرآیندهای جدید امنیتی در سطح منطقه ایجاد نموده و الگوهای جدیدی برای تعامل دو کشور ایران و عراق و روابط طرفین با

قدرت‌های فرامنطقه‌ای به وجود آورده است. تسلط شیعیان بر قدرت در عراق که به دلیل مشارکت سایر اقوام از تعادل مطلوبی برخوردار هستند، علاوه بر آنکه می‌تواند جو بی‌اعتمادی و تهدید را که در گذشته بر روابط دو کشور حاکم بوده است از بین ببرد، ظرفیت ایجاد همکاری در چارچوب منافع مشترک را نیز دارد. اعلام آمادگی برای حل مسائل مرزی و اقداماتی جهت اخراج اعضای گروهک تروریستی منافقین از عراق از سوی دولت این کشور، گام‌های اولیه‌ای هستند که می‌تواند به ایجاد سازوکارهای مشترک و برقراری ترتیبات جدید امنیتی و نظامی منجر گردد (صالحی، ۱۳۸۸).

حضور فعال شیعیان در عرصه سیاسی عراق جدید موجب تقویت مواضع ایران در منطقه خاورمیانه گردیده است؛ علاوه بر این، به دلیل تیرگی روابط جمهوری اسلامی ایران با آمریکا و حضور آمریکا در عراق بدون تردید وزنه ایران در مقابل آمریکا سنگین‌تر است. همچنین قدرت‌یابی اقلیت کرد در عراق جدید که سال‌ها کشمکش و منازعه را با دولت بغداد پشت‌سر گذارده است و از روابط نزدیک با ایران برخوردارند، بر روند همگرایی و همکاری بین ایران و عراق تأثیر مثبت دارد. گرچه طی یک قرن گذشته عواملی نظیر اوضاع نامطلوب اجتماعی و اقتصادی و فقدان مشارکت سیاسی کافی افراد، موجب واگرایی این قوم از دولت‌های مرکزی در منطقه شده است، اما وجود اشتراکات زبانی و فرهنگی و مجاورت جغرافیایی در صورت مدیریت صحیح می‌تواند زمینه‌ساز فرصت‌های مناسب جهت همکاری و همگرایی بیشتر افراد با دولت‌های ایران و عراق باشد؛ در حال حاضر به نظر می‌رسد با وجود حضور افراد در صحنه سیاسی عراق و مشارکت آنان در قدرت و توجه جمهوری اسلامی ایران به توسعه و آبادانی مناطق مرزی، بستر همگرایی دو کشور بیش از پیش فراهم شده است. حضور ایران در بازارهای اقتصادی عراق، تشکیل بازارچه‌های مرزی، تأسیس مناطق آزاد تجاری و ایجاد زیرساخت‌های اقتصادی در دو طرف مرزها می‌تواند فرصت‌هایی برای همکاری بیشتر طرفین فراهم آورد.

وجود اماکن مقدس و مذهبی در دو کشور: اماکن مذهبی نقش مهمی در تبادلات فرهنگی و مذهبی بین دو کشور داشته است. هر ساله تعداد زیادی از زائران ایرانی و عراقی برای زیارت و انجام مراسم عبادی به زیارتگاه‌های دو کشور سفر می‌کنند. این‌گونه مبادلات، نقش مهمی در ایجاد درک متقابل مردم از یکدیگر و افزایش پیوندها و روابط طولانی‌مدت دارد. (پیشنک، ۱۳۹۰). مهم‌ترین مکان‌های مقدس شیعیان واقع در عراق، زایران بی‌شماری از ایران را جذب می‌کند. بسیاری از ایرانیان در عراق مستقر شده و به تدریج با مردم آن سرزمین تلفیق و ادغام می‌شوند (نادری‌دوست، ۱۳۸۶: ۲۵۸).

حضور روحانیون بلندپایه در ایران و عراق: وجود مراجع تقلید تشیع در دو کشور نیز نقش زیادی در نفوذ و تأثیرگذاری ایران در عراق دارد. به‌عنوان نمونه می‌توان به حضور آیت‌الله سیستانی از بزرگ‌ترین مراجع جهان تشیع در عراق اشاره کرد. آیت‌الله سیستانی که برجسته‌ترین روحانی عراقی است، در ایران متولد شده و تحصیلات اولیه را در این کشور گذرانده است. بسیاری از مشاوران نزدیک و قدیمی او نیز از خانواده‌های ایرانی هستند و تحصیلات و آموزش خود را نیز در ایران گذرانده‌اند. این مرجع عالیقدر تاکنون هیچ‌گاه حاضر به ملاقات با مقامات آمریکایی نشده است. این در حالی است که زمانی که کمال خرازی وزیر خارجه وقت ایران به عراق سفر کرد، با استقبال گرم ایشان روبرو شد؛ به گونه‌ای که رسانه‌های آمریکایی از آن به‌عنوان یک ملاقات خانوادگی یاد کردند تا ملاقات سیاسی وزیر خارجه ایران با یک مقام بلندپایه مذهبی در عراق. این نشان از قدرت نرم ایران در عراق دارد که به‌واسطه مذهب تشیع و روحانیون شیعی در عراق ایجاد شده است (پشنگ، ۱۳۹۰).

مراکز شیعی کربلا و نجف، سالیان متمادی است که روحانیون و طلاب ایرانی را به خود جذب می‌کند. بسیاری از این افراد با سکونت در این مراکز شهری، شهروند عراق شده و با خانواده شیعی عراق وصلت کرده‌اند. بسیاری از مراجع ساکن عراق، ایرانی‌تبار و دلبستگی‌شان به امور مربوط به ایران و عراق یکسان بوده است. این طبقه از روحانیون عالیرتبه به سبب برخورداری از منزلت مرجعیت تقلید و راهنمایی معنوی، هم از جهت اعتقادی و هم سیاسی نفوذ بسیار زیادی در شیعیان عراقی داشته‌اند. شیعیان عراقی، فرهنگ ایران و دانش روحانیون ایرانی را می‌ستایند و در زندگی شیعیان ساکن در شهرهای مقدس، تأثیر فرهنگ عامیانه در اموری همچون غذاها، صنایع دستی و اصطلاحات به چشم می‌خورد (نادری‌دوست، ۱۳۸۶: ۲۵۸-۲۵۹). براساس گزارش اندیشکده واشنگتن، قدرت نرم ایران در عراق بسیار تأثیرگذار بوده است. به طوری که این کشور توانسته با صدور انقلاب اسلامی خود به عراق و با استفاده از تأثیرگذاری علمای قم بر صحنه سیاسی عراق، کار را برای نفوذ آمریکا در عراق دشوار سازد. تشکیل دولت جدید عراق که شامل بسیاری از متحدان نزدیک ایران است و از سوی دیگر خروج نظامیان آمریکایی از عراق، فرصت جدیدی را برای توسعه نفوذ ایران در این کشور فراهم کرده است و این احتمال وجود دارد که عراق نیز تبدیل به لبنانی دیگر شود (فتحی، ۱۳۹۰).

دیپلماسی عمومی ایران به‌عنوان منبع قدرت نرم در عراق: علاوه بر اشتراکات تاریخی و مذهبی که نقش مهمی در افزایش قدرت نرم ایران در عراق داشته است، می‌توان به سیاست خارجی ایران نیز به‌عنوان منبعی که نقش مهمی در ارائه تصویر

مثبت و موجه در میان افکار عمومی عراق ایجاد کرده، اشاره کرد. سیاست‌هایی همچون دیپلماسی کمک به آوارگان، حمایت از گروه‌های آزادی‌خواه، سیاست‌گذاری در جهت احقاق حقوق فلسطینیان، حمایت از خیزش‌های مردمی در جهان اسلام و عرب، مشارکت فعال در زمینه کمک‌های بشردوستانه، مقابله با سیاست‌های منطقه‌ای غلط ایالات متحده و مخالفت صریح با حضور نیروهای خارجی در عراق و به طور کلی خاورمیانه، همگی سیاست‌هایی هستند که در میان ملت‌های منطقه از پذیرش زیادی برخوردارند و اتخاذ چنین سیاست‌هایی در منطقه، ایران را به یک بازیگر کلیدی و مهم در جهان اسلام از نگاه ملت‌ها تبدیل کرده و نقش مهمی در افزایش نفوذ ایران داشته است (پیشننگ، ۱۳۹۰).

جمهوری اسلامی ایران در راستای توسعه نفوذ و تأثیرگذاری بیشتر و همچنین تشریح و تبیین سیاست خارجی خود در عراق از ابزارهای متعددی استفاده می‌کند. در این میان "رسانه" مهم‌ترین ابزاری است که به منظور انتقال پیام‌ها، تبیین سیاست خارجی، برجسته‌سازی موضوعات و نشان‌دادن اهمیت آن‌ها به کار می‌رود. امروزه ارتباطات به طور عمده از طریق رسانه صورت می‌گیرد. ایران به خوبی از رسانه به‌عنوان ابزاری برای ایفای نقش منطقه‌ای و بین‌المللی در سیاست خارجی استفاده می‌کند. در واقع کشورهایی که به نقش رسانه‌ها بی‌توجه باشند، در رقابت کنونی جهت تأثیرگذاری بر سایرین و تأمین اهداف و منافع ملی در دنیای آنارشیک ناموفق خواهند بود. ایران با درک این موضوع، اقدام به تأسیس شبکه موفق ماهواره‌ای العالم به زبان عربی نمود تا از این طریق بخشی از قدرت نرم خود را اعمال کند.

العالم ابزار قدرت نرم ایران در عراق و منطقه: شبکه العالم در ۲۳ فوریه سال ۲۰۰۳ از طرف ایران به منظور اطلاع‌رسانی و پوشش خبرهای روزانه برای مردم عرب‌زبان تأسیس شد. این شبکه در تهران، بغداد و بیروت دارای دفاتر خبری است و برای حدوداً سیصد میلیون نفر بیننده عرب‌زبان برنامه پخش می‌کند که عمدتاً در خلیج فارس و مدیترانه حضور دارند. در حال حاضر این شبکه از ۵۲ خبرنگار در ۴۰ کشور بهره می‌گیرد که غالب خواسته‌های مخاطبین جهان عرب و اسلام را منعکس می‌کند. جدیدترین نظرسنجی‌هایی که در زمینه وضعیت رسانه‌های خبری صورت گرفته، گواهی بر این مدعا است. سایت شبکه جهانی بی بی سی در نظرسنجی تحت عنوان (گزارش رسانه‌های عربستان و سوریه) در فوریه ۲۰۰۹ نشان داد که شبکه العالم در سوریه در رتبه چهارم و در مرتبه‌ای بالاتر از بی بی سی قرار دارد. در عربستان نیز العالم بالاتر از بی بی سی عربی و در رتبه پنجم قرار دارد. نظرسنجی دیگری که توسط گروه مشاوران عرب انجام گرفت، نشان داد که این شبکه پنجمین شبکه خبری

پرمخاطب است که توانسته گوی سبقت را از شبکه‌های دیگری مانند بی بی سی عربی و الحره برآید. نظرسنجی‌های مشابه در سایر کشورها نیز بر مقبولیت این شبکه در رقابت با شبکه‌های عربی بی بی سی، الحره و غیره که توسط دولت‌های غربی تأسیس شده‌اند، صحه می‌گذارد. جذب این تعداد از مخاطبین در کشورهای عربی تا حدود زیادی ناشی از این است که این شبکه توانسته منعکس‌کننده خواست‌های مخاطبین عرب در منطقه باشد.

اهداف العالم: ایران از طریق شبکه ماهواره‌ای العالم، سعی در به دست آوردن اهداف زیر در روابط خود با کشور عراق دارد:

۱. **دسترسی به اهداف ملی و بین‌المللی:** امروزه کشورهایی که از رسانه‌های معتبر و قوی استفاده می‌کنند، در راستای رسیدن به اهداف خود با موانع کمتری روبرو می‌شوند. به دلیل آنکه رسانه‌ها مانند دیپلمات‌هایی عمل می‌کنند که زمینه‌ها و بستر مناسب را برای اجرای سیاست خارجی مهیا می‌کنند.

۲. **برجسته‌کردن اولویت‌های ایران در عراق:** رسانه‌ها نقش مهمی در جلب توجه مردم نسبت به موضوعات مختلف دارند. در این راستا، شبکه العالم در برجسته‌سازی و مهم نشان دادن موضوعاتی مانند تروریسم و خروج نیروهای نظامی خارجی از عراق به‌عنوان منبع نامنی و بی‌ثباتی در این کشور، توجه توده مردم این کشور را به این موضوعات جلب کرده و این پیام را به آن‌ها منتقل می‌کند که ایجاد یک نظام دموکراتیک و باثبات، نیازمند خروج سریع نیروهای اشغال‌گر از این کشور است. با انتقال و تبیین این پیام‌ها به مردم عراق، زمینه مناسب به منظور دستیابی ایران به هدف راهبردی مورد نظر در منطقه که خروج نیروهای آمریکایی از عراق است، تأمین می‌شود. شبکه العالم با پوشش گسترده خبرهای مربوط به زندان ابوغریب، نقش مهمی در افزایش نقض حقوق بشر و ارزش‌های دموکراتیک توسط نیروهای آمریکا داشته و در تغییر نگرش مردم نسبت به ایالات متحده و نشان دادن سیاست‌های واقعی آن از حضور در عراق سهم شایانی داشته است.

۳. **تقویت روابط فرهنگی و مذهبی میان مردم ایران و عراق:** تقویت روابط فرهنگی و عاطفی میان مردم ایران و عراق، به‌خصوص شیعیان و همچنین از بین بردن دیدگاه‌های منفی نسبت به ایران که در زمان دولت پیشین در عراق و همچنین رسانه‌های متخاصم منطقه علیه ایران ایجاد شده بود، از دیگر اهداف شبکه ماهواره‌ای العالم است.

در کل می‌توان گفت که امروزه اهمیت رسانه در سیاست خارجی بر کسی پوشیده نیست. به قول کریس وانس "رسانه‌ها در هدایت سیاست خارجی نقش مهمی

ایفا می‌کنند. رسانه‌ها می‌توانند هم ایجادکننده و هم شکننده سیاست خارجی باشند" (پشنگ، ۱۳۹۰).

هر چند که به نظر می‌رسد شبکه‌ها و رسانه‌های جمعی باید تسهیل‌کننده سیاست‌های کشور و گسترش‌دهنده دیپلماسی عمومی باشد، راهبرد ایران در این زمینه از قدرت در جهت انعکاس ویرانی‌های نبرد و ناتوانی نیروهای اشغالگر از تأمین امنیت و جلوگیری از کشتار غیرنظامیان قرار گرفت. در این میان راه‌اندازی شبکه‌های ماهواره‌ای و تلویزیونی مانند الفرات وابسته به مجلس اعلاى انقلاب اسلامی، الزهرا وابسته به جناح صدر و روزنامه‌های هوادار حزب الدعوه که همگی به نوعی با جمهوری اسلامی ایران احساس قرابت می‌کنند، توانسته تا حد زیادی به حس مشترک شیعی‌بودن میان تهران و بغداد و تقویت قدرت نرم ایران در عراق کمک کند.

با این حال، شکل‌گیری عراق جدید با ویژگی‌هایی متفاوت از ساخت قدرت و سیاست، ضرورت تعریف جدید از نقش و موقعیت عراق در سیاست نرم و دیپلماسی هوشمند جمهوری اسلامی ایران با این کشور را اجتناب‌ناپذیر می‌کند. اهمیت عراق بیش از هر چیز به دلیل فراهم آوردن ظرفیت فرصت‌سازی در سیاست خارجی ایران در سطح روابط دوجانبه، منطقه‌ای و روابط با قدرت‌های بزرگ است. ساخت دولت در عراق همواره در روابط دو کشور تعیین‌کننده بوده است. بر این اساس محور اصلی در راستای بهینه‌سازی جهت‌گیری نفوذ نرم ایران در عراق جدید، راهبردی کردن این نفوذ به وسیله حوزه عمومی و دیپلماسی هوشمند با گروه‌های سیاسی طرفدار ایران یا به عبارت دیگر عنصر هویت مشترک شیعی در حاکمیت سیاسی عراق است. این عنصر جهت‌دهنده می‌تواند تقویت تعاملات راهبردی در زمینه‌های اقتصادی، فرهنگی و سیاسی-امنیتی در سطح دو دولت باشد (عطایی و دیگران، ۱۳۹۰: ۲۰۱).

مهاجرت بین دو کشور ایران و عراق: از دیگر منابع بالفعل قدرت نرم ایران در منطقه و به ویژه در کشور عراق می‌توان به عامل مهاجرت اشاره کرد. در حال حاضر، می‌توان به حضور بیش از یک میلیون و دویست هزار مهاجر ایرانی در کشورهای خاورمیانه و دویست هزار مهاجر عراقی در ایران اشاره داشت (هرسیج و تویسرکانی، ۱۳۸۸: ۱۸۵). ایرانیان و شیعیان مقیم در کشور عراق و بر عکس عراقیان مهاجر در ایران، به علت اشتراک فرهنگی و دینی با یکدیگر، می‌توانند به صورت پل ارتباطی بین فرهنگ ایران و کشور عراق عمل نمایند (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۷: ۱۱۴).

نزدیکی جغرافیایی: مجاورت و همسایگی ایران با کشور عراق فرصتی دیگر را فراهم می‌آورد که به موقعیت و مطلوبیت قدرت نرم و دیپلماسی فرهنگی ایران کمک کند. نزدیکی جمهوری اسلامی ایران به کشور عراق به چند طریق فرصتی مناسب برای

دیپلماسی فرهنگی آن به وجود می‌آورد: اولاً، براساس منطق تسری و پخش افقی، امکان تأثیرگذاری بیشتر برای فرهنگ ایرانی و انقلاب اسلامی ایران در این کشور وجود دارد. دوم، مبادلات و مراودات فرهنگی بین دو طرف تسهیل و تسریع می‌شود و به تبع آن هزینه‌های آن کاهش می‌یابد. سوم، در اثر نزدیکی جغرافیایی، مسائل و مشکلات فرهنگی نسبتاً مشابه بروز می‌کند که زمینه همکاری طرفین در حل و فصل آن‌ها را به وجود می‌آورد. چهارم، نوعی وابستگی متقابل فرهنگی بین دو طرف شکل می‌گیرد که آنان را به مقابله مشترک با تهدیدات فرهنگی فرامنطقه‌ای وامی‌دارد (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۷: ۱۱۳). بنابراین همسایگی جغرافیایی و پتانسیل موجود در دو کشور از عوامل مهمی است که دولتمردان ایران و عراق را مجبور خواهد ساخت سطح روابط دوجانبه را گسترده کرده، عمق بخشیده و از منافع آن به دولت سود برسانند. بی‌تردید مانع‌تراشی و هرگونه شیطنت در این روند مشکلات عدیده‌ای را به وجود خواهد آورد که به صلاح دو طرف و منطقه نخواهد بود (فتحی، ۱۳۹۰).

نتیجه‌گیری

در این نوشتار، ابتدا به مبانی نظری و مفهومی موضوع پرداخته، جایگاه عراق را در سیاست خارجی ایران تحلیل کرده و سپس به بررسی منابع قدرت نرم ایران در سه حوزه فرهنگ، ارزش‌های سیاسی و سیاست خارجی در کشور عراق (جدید) پرداختیم. کشور عراق در مقایسه با سایر همسایگان ایران، بیشترین تأثیرگذاری را بر امنیت و منافع ملی ایران داشته است که این امر ناشی از وجود مشترکات فرهنگی، دینی و مرزهای طولانی بین دو کشور است. جمهوری اسلامی ایران به دنبال استفاده از قدرت نرم مذهبی و فرهنگی خود در عراق برای افزایش جایگاه و محبوبیت خود در بین اکثریت شیعیان عراق بوده و در نتیجه موقعیت تأثیرگذاری به دست آورده است. در بخش فرهنگی، مهم‌ترین و محوری‌ترین عامل قدرت نرم ایران در عراق، مذهب تشیع است. اکثریت مردم ایران و عراق مسلمان و پیرو مذهب تشیع می‌باشند. این امر تأثیر زیادی بر نوع نگرش مردم عراق نسبت به سیاست‌ها و اقدامات ایران دارد و تا حدود زیادی موجب به وجود آمدن درک و اعتماد متقابل میان دولت ایران و ملت عراق شده است. موضوع اخیر به ویژه بعد از سال ۲۰۰۳ و با روی کار آمدن حکومت شیعه در عراق، بیشتر تأثیر خود را نشان می‌دهد.

در نتیجه‌گیری نهایی و در تأیید فرضیه پژوهش می‌توان گفت که جمهوری اسلامی ایران در کشور عراق، جهت دسترسی به اهداف و منافع ملی خود از ابزارهای

مختلفی استفاده می‌کند. یکی از این ابزارها قدرت نرم است که به‌زعم نظریه‌پردازان آن، تأثیرگذاری بیشتری نسبت به قدرت سخت دارد. جمهوری اسلامی ایران از منابع متنوع قدرت نرم از جمله پیوندهای تاریخی و فرهنگی، ایدئولوژی انقلاب اسلامی، موقعیت همجواری، دیپلماسی عمومی و غیره در عراق استفاده می‌کند و باید اشاره کرد که این امر موجب بهبود و گسترش روابط ایران با این کشور شده است. نکته مهم این است که در حوزه فرهنگی، مهم‌ترین منبع قدرت نرم ایران در عراق، نظام تشیع و روابط مذهبی بین دو کشور است. سفر زیارتی زائران ایرانی به شهرهای مقدس عراق از جمله نجف و کربلا، مبادلات فرهنگی و مذهبی بین شهرهای مقدس عراق با شهرهای زیارتی ایران از جمله قم و نیز روابط نزدیک میان علمای دو کشور، در این زمینه از اهمیت خاصی برخوردارند. بدین ترتیب، با تایید فرضیه پژوهش نتیجه می‌گیریم که عملکرد قدرت نرم ایران در کشور عراق جدید، موجب بهبود روابط بین کشور ایران و عراق در سال‌های اخیر شده و از این طریق توانسته است تأثیرگذاری خود بر تحولات منطقه‌ای را نیز بهبود بخشد.

منابع

۱. افتخاری، اصغر و بیکی، مهدی، (بهار ۱۳۸۹)، "تأثیرات جمهوری اسلامی ایران بر لبنان"، **فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی**، سال هفتم، شماره ۲۰.
۲. بلیک، ژانت و گلشن‌پژوه، محمودرضا، (۱۳۸۹)، "قدرت نرم، تهدید نرم: پیشنهادی در راستای سیاست‌سازی"، **فصلنامه راهبرد**، سال نوزدهم، شماره ۵۵.
۳. پشنگ، اردشیر، (۱۳۹۰)، "بررسی قدرت نرم ایران در عراق جدید"، <http://ardeshir58.pershianblog.ir>
۴. حسینی، سید محسن، (۱۳۹۰)، "بایسته‌های قدرت نرم ایران در حوزه فرهنگ"، **پورتال جامع سیاسی سیاست ما**، www.siasatema.com.
۵. دهقانی فیروزآبادی، سید جلال، (۱۳۸۹)، "دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی در منطقه خلیج فارس"، **فصلنامه سیاست**، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴، شماره ۴، صص ۱۰۳-۱۲۳.
۶. دهقانی فیروزآبادی، سید جلال، (بهار ۱۳۹۰)، "فناوری‌های قدرت در جنگ نرم"، **فصلنامه مطالعات راهبردی**، سال چهاردهم، شماره اول.
۷. سلیمانی پورلک، فاطمه، (۱۳۸۶)، "ایران و آمریکا در بستر تعاملات نرم‌افزاری قدرت و امنیت"، تهران: **مرکز تحقیقات راهبردی دفاعی**، شماره دوم.

۸. سعیدی، روح‌الامین، (۱۳۸۹)، "بررسی نقش فرهنگ به‌عنوان ابزار قدرت نرم با تأکید بر قدرت نرم ایالات متحده آمریکا"، **فصلنامه ره آورد سیاسی**، شماره ۲۸، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
۹. صالحی، محمد، (۱۳۸۸)، "خاورمیانه، عراق جدید و ایران"،
<http://iranbazgoo.persianblog.ir>
۱۰. عطایی، فرهاد و دیگران، (۱۳۹۰)، "دیپلماسی عمومی و قدرت نرم: ایران و آمریکا در عراق جدید"، **فصلنامه سیاست**، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، دوره سوم، شماره ۴۱.
۱۱. فتحی، مصیب، (۱۳۹۰)، "روابط ایران و عراق بعد از صدام"،
<http://iranbazgoo.persianblog.ir/post/108>
۱۲. گلشن‌پژوه، محمودرضا، (۱۳۸۷)، **جمهوری اسلامی ایران و قدرت نرم (نگاهی به قدرت نرم افزازی جمهوری اسلامی ایران)**، ناشر معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی، دفتر گسترش تولید علم، چاپ اول.
۱۳. محمدی، منوچهر، (۱۳۸۷)، "منابع قدرت نرم: سرمایه اجتماعی نظام جمهوری اسلامی ایران"، **فصلنامه ۱۵ خرداد**، دوره سوم، سال پنجم، شماره ۱۶.
۱۴. نادری دوست، علی، (۱۳۸۶)، **شیعیان عراق؛ نقش و جایگاه آنان در ساختار سیاسی آینده عراق و تأثیر آن بر امنیت و منافع ملی جمهوری اسلامی ایران**، تهران: انتشارات آشیانه مهر.
۱۵. نای، جوزف، (۱۳۸۷)، **قدرت در عصر اطلاعات: از واقع‌گرایی تا جهانی‌شدن**، ترجمه: سعید میرترابی، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۱۶. نای، جوزف، (۱۳۸۲)، **کاربرد قدرت نرم**، ترجمه: سیدرضا میرطاهر، تهران: نشر قومس.
۱۷. نایینی، علی‌محمد، (۱۳۸۹)، "درآمدی بر ماهیت‌شناسی قدرت نرم"، **فصلنامه راهبرد دفاعی**، سال هشتم، شماره بیست و هشتم.
۱۸. هرسیچ، حسین و تویسرکانی، مجتبی، (۱۳۸۸)، "مقایسه میزان قدرت نرم ایران و ایالات متحده در خاورمیانه"، **دانش سیاسی**، سال پنجم، شماره اول، صص ۱۶۹-۲۰۳.
۱۹. هرسیچ، حسین و تویسرکانی، مجتبی، (۱۳۸۸)، "تأثیر مؤلفه‌های هویت‌ساز ایرانی بر قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران"، **فصلنامه تحقیقات فرهنگی**، دوره سوم، شماره ۹، صص ۱۵۱-۱۸۰.
۲۰. بی‌نام، (۱۳۹۰)، "رونق رسانه‌ها در عراق: ۲۰۰ روزنامه و ۱۰۲ شبکه ماهواره‌ای"،
<http://www.asriran.com>

21. Baylis, John, (2001), **International and Global Security in the Post-Cold War Era in the Globalization of World Politics: An Introduction to International Relations**, Oxford University Press.

22. Dreyfuss, R. (2008) 'Is Iran Winning the Iraq War?', *The Nation*, March 10.
23. Gill.B & Y. Huang ,(2006), **Sources and Limits of Chines Soft Power** , Survival, Vol.48, No 2.
24. Haynes, J. (2001) '**Transnational Religious Actors and International Politics**', *Third World Quarterly*, 22, 2, pp. 143-58.
25. Haynes, J. (2005) '**Al-Qaeda: Ideology and Action**', *Critical Review of International Social and Political Philosophy*, 8, 2 (June 2005), pp. 177-91.
26. Haynes, J, (2009), **Causes and Consequences of Transnational Religious Soft Power**, London Metropolitan University.
27. Katzman K & others, (2010), **Iran: Regional Perspectives and U.S. Policy**, Congressional Research Service
28. Katzman, K. (2009) '**Iran's Activities and Influence in Iraq**', *Congressional Research Service*, February 13, p. 7.
29. Kemp, G. (2005), **Iran and Iraq. The Shia Connection, Soft Power, and the Nuclear Connection**, Washington, DC: United States Institute of Peace.
30. Maleki, A. (2007), '**Soft Power and its Implications on Iran**', Institute for North America & European Studies, Tehran University, May 15.
31. Malone, Gifford D, (1988), **Political Advocacy and Cultural Communication: Organizing the Nation Public Diplomacy**, University Press of America.
32. Melissan, Jan, Ed. (2007), **The New Public Diplomacy: Soft Power in International Relations**. New York: Palgrave Macmillan.
33. Nafissi, Mohammad, (2007), **Shiism and Soft Power: the Case of Iran**, Department of Law, London Metropolitan University.
34. Nasr, Vali, (2006),**The Shia Revival : How Conflicts Within Islam Will Shape the Future**, Now York : Norton and Company.
35. Nasr, V. (2006), '**Iran and the Shia Revival in the Middle East**', Transcript, Council on Foreign Relations, March 23.
36. Ninnkovich, Frank, (1996), **U.S. Information Policy and Cultural Diplomacy**, Foreign Policy Association.
37. Nye S. Joseph, (2004), **Soft Power: The Means to Success in World Politics**, New York: Public Affairs.
38. Sharp, Paul , (2005) , **Revolutionary State , Outlaw Regimes and the Techniques of Public Diplomacy , the New Public Diplomacy Soft Power in International Relations** , edited by Jan Melissen , Hampshire : Palgrave.